


The Effect of Foreign Tourism Development on Poverty in Iran

Fatemeh Bazzazan *  Associate Professor, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

Poverty is a global issue of high importance for both developing and developed countries. The first step in tackling poverty is to identify the impact of economic policies on poverty indicators. In this direction, the purpose of this study is to measure the effect of foreign tourism development on poverty reduction using SAM fixed price multiplier approach. For this purpose, 2011 SAM, 2018 foreign tourist receipts, and three poverty indicators: head count ratio, poverty gap, and (FGT) have been considered. The results indicate that the arrival of foreign tourists through the production growth channel reduces poverty in Iran and reducing poverty of rural households is greater than urban households. Results also show that the highest share in sectoral poverty reduction based on the three poverty indicators is related to the agricultural sector (based on the census poverty index), hotels and restaurants, and manufacturing, and transportation (based on the poverty gap index and the FGT indices). Whereas the least reduction in poverty occurs in the financial, insurance and education activities. Any policy making in the direction of tourism development is considered as a suitable socio-economic achievement.

Keywords: Tourism, Social Accounting Matrix, FGT, Poverty Gap, Head Count Ratio.

JEL Classification: E16, O10, P46.

Received: 07/07/2021

Accepted: 17/01/2022


ISSN: 1726-0728

eISSN:2476-6445

* Corresponding Author: fbazzazan@alzahra.ac.ir

How to Cite: Bazzazan, F. (2022). The Effect of Foreign Tourism Development on Poverty in Iran. *Iranian Journal of Economic Research*, 27 (92), 153 -179.

اثر توسعه گردشگری خارجی بر فقر در ایران

فاطمه بزازان*  دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

فقر مقوله‌ای جهانی است که همه کشورها اعم از در حال توسعه و توسعه یافته نسبت به آن نگرانی دارند. قدم اول مبارزه با فقر و رفع نگرانی، سنجش و آگاهی از اثر سیاست‌های اقتصادی بر میزان فقر است. با در نظر گرفتن این موضوع، هدف مقاله حاضر، سنجش اثربخشی گردشگری خارجی بر شاخص‌های سه‌گانه فقر: فقر سرشمار، شکاف فقر و شاخص FGT با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی رویکرد ضرایب فزاینده قیمت ثابت برای نخستین بار است. به این منظور، از ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۹۰، اطلاعات مربوط به درآمد گردشگران خارجی سال ۲۰۱۸ و شاخص‌های فقر سرشمار، شکاف فقر و شاخص FGT استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ورود گردشگر خارجی از کانال رشد تولید موجب کاهش فقر در ایران می‌شود. اثر کاهش فقر خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است. همچنین بالاترین سهم در کاهش فقر خانوارهای شهری و روستایی براساس شاخص‌های سه‌گانه فقر به ترتیب در بخش کشاورزی (با توجه به شاخص فقر سرشمار)، هتل و رستوران و صنعت و ساخت و حمل‌ونقل (با توجه به شاخص شکاف فقر) و هتل و رستوران، صنعت و حمل‌ونقل (با توجه به شاخص فوستر، گریر و توربک) است. پایین‌ترین سهم نیز مربوط به بخش‌های فعالیت‌های مالی، بیمه و آموزش است. بنابراین، هرگونه اقدام در راستای توسعه گردشگری دستاورد اجتماعی-اقتصادی مناسبی ارزیابی می‌شود.

کلمات کلیدی: گردشگری، ماتریس حسابداری اجتماعی، فقر سرشمار، شکاف فقر، شاخص FGT

طبقه‌بندی JEL: E16, O10, P46

۱. مقدمه

کاهش فقر همواره یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران بوده و بدین سبب مطالعات مختلفی در راستای نحوه کاهش فقر در کشورها به انجام رسیده و در اغلب کشورهای در حال توسعه رشد اقتصادی به عنوان راه‌حل اصلی پیشنهاد شده است. سوال اساسی که در این رابطه مطرح می‌شود، این است که آیا فقرا همواره از رشد اقتصادی و آثاری که در جامعه برجای می‌گذارد، منتفع می‌شوند؟ در پاسخ به این سوال اقتصاددانان به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ یک گروه معتقدند که رشد اقتصادی خودبه‌خود فقر را کاهش می‌دهد و گروه دیگر، رشد اقتصادی را برای از بین بردن فقر کافی نمی‌دانند و توزیع منابع ناشی از رشد را برای همه افراد جامعه اعم از فقیر و غنی یکسان نمی‌دانند.

در مطالعاتی که در ایران صورت گرفته، اغلب رابطه بین فقر و رشد اقتصادی در سطح کلان مورد ارزیابی قرار گرفته است؛ از جمله می‌توان به مطالعات راغفر و همکاران (۱۳۹۴)، ابونوری و عباسی قادی (۱۳۸۶) و پیرایی و قناعتیان (۱۳۸۵) اشاره کرد که به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۷۴-۱۳۸۲ رشد، حامی فقر بوده (پیرایی و قناعتیان ۱۳۸۵) در حالی که در دو دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۲ (راغفر و همکاران ۱۳۹۴) و ۱۳۶۱-۱۳۸۱ (ابونوری و عباسی قادی ۱۳۸۶) رشد آرام اقتصادی در ایران، حامی فقر نبوده است.

مطالعه پروین و همکاران (۱۳۹۲) مطالعه دیگری از این سری است که تغییرات شاخص‌های فقر را در اثر رشد متوازن بخش‌های اقتصادی و نه رشد تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار داده و بخش‌های حامی فقر را در قالب الگوی رشد متوازن ماتریس حسابداری اجتماعی شناسایی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در ایران رشد برخی از بخش‌ها، حامی فقر و برخی دیگر را نمی‌توان حامی فقر دانست. پژوهش آن‌ها گامی به جلو در انتخاب سیاست‌های رشد فقرزدا در ایران به شمار می‌رود که برای کاهش فقر لازم نیست همه بخش‌ها رشد داشته باشند، بلکه با رشد بخش‌های انتخابی می‌توان به هدف کاهش فقر نیز دست پیدا کرد. سوالی که در این رابطه پیش می‌آید این است که رشد بخشی غیرمتوازن چه تاثیری بر فقر می‌تواند داشته باشد؟

در سال‌های اخیر گردشگری به عنوان یک سیاست رشد غیرمتوازن در دستیابی به رشد بالا در کشورهای فقیر، سبب ایجاد علاقه فراوانی به گردشگری به عنوان یک استراتژی

کاهش فقر شده است که گاهی اوقات گردشگری حامی فقرا نامیده می‌شود. در همین راستا هدف اصلی مطالعه حاضر سنجش میزان فقرزدایی ورود گردشگران خارجی، مطالعه موردی ایران است. جهت دستیابی به این هدف سازماندهی مقاله بدین قرار است: پس از مقدمه، مبانی نظری و مروری بر ادبیات موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه روش‌شناسی تاثیرپذیری شاخص‌های فقر از ورود گردشگران مورد بحث قرار گرفته و در نهایت نتایج به دست آمده با استفاده از الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتیجه‌گیری آخرین بخش مقاله است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فقدان درآمد و دارایی یکی از اصلی‌ترین علل فقر است و رشد اقتصادی موجب افزایش درآمد و کاهش فقر می‌شود و برعکس کاهش درآمد، فقر را افزایش می‌دهد. رشد اقتصادی قادر است فقر را کاهش دهد، اما اثرگذاری آن بستگی زیادی به چگونگی آثار رشد روی گروه‌های مختلف اعم از فقیر و غنی دارد. در این میان صنعت گردشگری به جهت ویژگی‌های خاصی که دارد، می‌تواند به عنوان ابزاری برای کاهش فقر در کشورهایی که ظرفیت پذیرش گردشگران خارجی و داخلی را دارند به کار گرفته شود. گردشگری به دلیل ارزآوری و درآمدزایی بالا، متکی به مشاغل کاربر بودن و ایجاد اشتغال برای تمامی سطوح و طبقات اجتماع فرصت‌های خوبی را برای همه افراد جامعه اعم از فقرا و حتی ثروتمندان دارد.

امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از سیاست‌گذاری رشد گردشگری جهت کاهش فقر کمک گرفته می‌شود. گردشگری حامی فقرا، یک محصول گردشگری در بخش خاصی نیست، بلکه یک رویکرد کلی است که به منظور ایجاد فرصت‌هایی برای فقرا طراحی شده است (Jamieson et al, 2004). اثر حامی فقرا بودن گردشگری سبب شده تا بتوان از آن به منظور کاهش نابرابری درآمدی و فقر استفاده کرد. این رویکرد مورد قبول کشورها و اقتصادهایی است که در حال حاضر به شدت به درآمدهای گردشگری وابسته هستند. تحت این رویکرد به گردشگری به عنوان ابزاری جهت ایجاد فرصت‌های فراوان و ایجاد اشتغال و منافع زیاد برای گروه‌های بسیار آسیب‌پذیر جامعه از طریق مشارکت آن‌ها در تولید کالاها و خدمات گردشگری نگاه می‌شود (Alam & Paramati, 2016).

در کشورهایی که صادرات رقابتی کمی دارند به نظر می‌رسد که گردشگری یک گزینه توسعه قابل دوام باشد. فقرا می‌توانند با استفاده از سرمایه‌های طبیعی و فرهنگی که گردشگری به آن‌ها وابسته است، حتی با منابع مالی محدود نیز فعالیت کنند (Chok et al., 2008).

علاوه بر این، گردشگری ویژگی‌های بسیاری دارد که آن را به طور خاص برای کشورهای کم درآمد و جوامع فقیر مناسب می‌کند. گردشگری یک بخش به نسبت کارآفرین است و به طور سنتی از فعالیتهای کوچک که به سرمایه‌گذاری کمی نیاز دارند، تشکیل شده است. این فعالیتهای به طور خاص برای زنان، جوانان و گروه‌های محروم از قبیل اقلیت‌های قومی که بیشتر در دسترس فقرا است، مناسب هستند. همچنین از آنجایی که گردشگری شامل فعالیتهای بسیار بوده و دارای یک زنجیره عرضه وسیع و متنوع است، هزینه گردشگران می‌تواند به طیف وسیعی از بخش‌ها مانند کشاورزی، صنایع دستی، حمل‌ونقل و سایر خدمات سود برساند. بنابراین، بخش گردشگری محدود به یک فعالیت خاص نبوده و از مجموعه‌ای از فعالیتهای تشکیل می‌شود. به همین دلیل در ادبیات اقتصادی برای سنجش اثرات توسعه گردشگری همواره از رویکردهایی نظیر الگوهای چندبخشی استفاده می‌شود که بتواند اثرات فعالیتهای مرتبط با گردشگری را به خوبی و با جزئیات بیشتری لحاظ کند. در این خصوص الگوهای چندبخشی داده-ستانده، ماتریس حسابداری اجتماعی و تعادل عمومی قابل محاسبه قادرند اثرات اقتصادی گسترش گردشگری بر رشد اقتصادی و اثرات اجتماعی آن بویژه فقر را محاسبه کنند. استفاده از رویکرد ماتریس حسابداری اجتماعی در مطالعه اثرات اقتصادی گردشگری خیلی گسترده نیست. در ادامه به برخی از مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع و روش مطالعه حاضر می‌پردازیم.

واگنر^۱ (۱۹۹۷) یکی از اولین مطالعات را با استفاده از رویکرد ماتریس حسابداری اجتماعی برای تحلیل اثرات اقتصادی گردشگری در شهر گاراواکابا برزیل به انجام رسانده است. بعد از آن مطالعات به نسبت گسترده‌ای با استفاده از این رویکرد در کشورهای مختلف جهان انجام شده است؛ از آن جمله مطالعات لی و لیان^۲ (۲۰۱۰) در استان جیانگ‌سو در

1. Wagner, J. E.

2. Li, J., & Lian, C.

چین، آکمیگ^۱ (۲۰۱۲) در ترکیه، بهات و مانوئل^۲ (۲۰۱۳) در هندوستان، پروین و همکاران (۱۳۹۲) در ایران، اینسرا و فرناندز^۳ (۲۰۱۵) در گالسیا، تیکو^۴ (۲۰۱۶) در اندونزی، آلام و پاراماتی^۵ (۲۰۱۶) و کروس و ریورا^۶ (۲۰۱۷) در اکوادور، سوریاواردانی و همکاران^۷ (۲۰۱۸) در بالی، بزازان و همکاران (۱۳۹۹) در ایران، بزازان (۲۰۲۰) در ایران و آدیانا و همکاران^۸ (۲۰۲۰) در منطقه بالی اندونزی را می‌توان برشمرد. این مطالعات نتایج متفاوتی را رقم زده‌اند؛ به گونه‌ای که در برخی رشد گردشگری حامی فقرا بوده و برخی هم توزیع درآمد را بهبود بخشیده است.

با توجه به مرور ادبیات پیشین، مطالعات به نسبت زیادی با موضوع گسترش گردشگری و اثر آن بر فقر با رویکرد ماتریس حسابداری اجتماعی در سطح بین‌المللی دیده می‌شود، اما در سطح ملی کمتر مشاهده شده است. تنها مقاله پروین و همکاران (۱۳۹۲) مرتبط است که در آن اثر رشد متوازن بخش‌های اقتصادی بر شاخص‌های فقر بررسی شده و رشد برخی بخش‌ها حامی فقر و برخی دیگر تشدیدکننده فقر به دست آمده است.

پژوهش حاضر به گسترش گردشگری تمرکز دارد که دارای دو مشخصه است: الف- گسترش گردشگری رشد همه بخش‌های اقتصادی را به دنبال ندارد و به طور انحصاری به رشد تعداد بخش‌های محدودی که با گردشگری مرتبط هستند، نظیر هتل و رستوران، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، حمل‌ونقل و ارتباطات و برخی بخش‌های خدماتی توجه دارد و ب- گسترش آن‌ها متضمن رشد یکسان بخش‌های مرتبط با گردشگری نیست.

۳. روش‌شناسی پژوهش

ریشه تاریخی ماتریس حسابداری اجتماعی بسیار طولانی است و اولین ماتریس حسابداری اجتماعی توسط ریچارد استون^۹ در دهه ۱۹۶۰ برای انگلستان و برخی از کشورهای توسعه

1. Akkemik, K. A.
2. Bhatt, M. S. & Munjal, P.,
3. Incera, A. C. & Fernandez, M.
4. Tiku, O.
5. Alam, M. S., & Paramati, S. R.
6. Croes, R. & Rivera, M. A.
7. Suryawardani, G. A., et al.
8. Adnyana, I., et al.
9. Stone, R.

یافته تهیه شد. سپس الگوهای ماتریس حسابداری اجتماعی که براساس آن ساخته شد بسط بیشتری یافت و به سیاست‌گذاران کمک بیشتری در جهت مسائل مربوط به انواع سیاست‌های اقتصادی به ویژه در رابطه با فقر و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه داشت. این تلاش‌ها توسط پیات^۱، توربک^۲ و دیگران از دهه ۱۹۷۰ به بعد شروع شد (Pyatt & Thorbecke, 1976). تلاش‌های اولیه زیادی برای کشورهای سریلانکا (Pyatt & Defourny, 1979)، بوتسوانا (Hayden & Round, 1982)، کره جنوبی (Powell & Round, 2000)، ویتنام (Thorbecke et al, 1992)، غنا (Tarp, Roland-Holst and Rand, 2002)، ایران (بانویی ۱۳۸۴) و سپس بسیاری در دیگر کشورهای مختلف جهان صورت گرفت که هدف آن‌ها بررسی ماهیت اثر چندگانه تزریق درآمد در یک بخش از یک سیستم اقتصادی در عملکرد و توزیع نهادی به طور کلی و بر درآمد گروه‌های اجتماعی - اقتصادی خانوارها به طور خاص در چهارچوب ضریب فزاینده بوده است.

به طور کلی، ماتریس حسابداری اجتماعی، یک نوع سیستم حسابداری است که در آن جریان‌های درآمد و هزینه، میان نهادها و بخش‌های مختلف اقتصاد در قالب سطرها و ستون‌های یک ماتریس نشان داده می‌شود. در ماتریس حسابداری اجتماعی پنج حساب اصلی وجود دارد که جهت کاربردی کردن آن سه حساب؛ یعنی حساب تولید، حساب عوامل تولید و حساب نهادها (بجز دولت، مالیات و یارانه‌ها) به عنوان حساب‌های درون‌زا و دو حساب دیگر؛ یعنی حساب انباشت (پس‌انداز) و حساب دنیای خارج (صادرات و واردات کالاها و خدمات) به علاوه حساب دولت، مالیات و یارانه‌ها، حساب‌های برون‌زای ماتریس حسابداری اجتماعی را تشکیل می‌دهند که در جدول (۱) نشان داده شده است.

-
1. Pyatt, G.
 2. Thorbecke, E., et al.

جدول ۱. ماتریس حسابداری اجتماعی بر اساس حساب‌های درون‌زا و برون‌زا

خروجی	ورودی	حساب‌های درون‌زا			حساب‌های برون‌زا	جمع ورودی‌ها
		حساب تولید	حساب عوامل تولید	حساب نهادها	سایر حساب‌ها (انباشت و دنیای خارج)	
حساب‌های درون‌زا	حساب تولید	N_{11}	۰	N_{13}	X_1	Y_1
	حساب عوامل تولید	N_{21}	۰	۰	X_2	Y_2
	حساب نهادها	۰	N_{32}	N_{33}	X_3	Y_3
حساب‌های برون‌زا	سایر حساب‌ها (واردات، یارانه، مالیات و...)	L'_1	L'_2	L'_3	R	Y^x
جمع خروجی‌ها		Y'_1	Y'_2	Y'_3	Y^x	

در ماتریس حسابداری اجتماعی (جدول (۱)) بردار سطری L دارای سه زیر ماتریس L'_1 ، L'_2 و L'_3 است که ماتریس اول مصرف سرمایه، مالیات بر تولید، واردات کالاها و خدمات، ماتریس دوم پرداختی عوامل تولید به دنیای خارج و ماتریس سوم پس‌انداز داخلی نهادها و پرداختی نهادها به دنیای خارج است. بردار ستونی X دارای سه زیر ماتریس X_1 ، X_2 و X_3 است. ماتریس X_1 تشکیل سرمایه و تغییر در موجودی انبار حساب تولید، صادرات کالاها و خدمات، ماتریس X_2 ، دریافت عوامل تولید از دنیای خارج و ماتریس X_3 دریافت نهادها از دنیای خارج و یا هر منبع دیگری غیر از حساب عوامل مثل دریافت یارانه نقدی دولتی است. تراز ترکیبی تولید-درآمدی (عوامل تولید و نهادهای داخلی جامعه) براساس حساب‌های درون‌زا و برون‌زا به صورت رابطه (۱) نوشته می‌شوند.

$$Y_n = N_e + X \quad (1)$$

رابطه (۱) نشان می‌دهد که کل درآمد حساب‌های درون‌زا از دو قسمت ۱- درآمد حساب‌های درون‌زا با حساب‌های درون‌زا N_e و ۲- درآمد حساب‌های برون‌زا X تشکیل شده است. برای اهداف تحلیلی قسمت درون‌زای ماتریس مبادلات N_e تبدیل به ماتریس میل متوسط به مصرف یا ضرایب مستقیم می‌شود. به همین منظور هر عنصری به کل درآمد

ستون متناظرش تقسیم و ماتریس ضرایب به دست می‌آید و دارای زیرماتریس‌هایی است که متناسب با حساب‌های سه‌گانه در ماتریس حسابداری اجتماعی است (رابطه (۲)).

$$Y_n = A_n Y_n + X \quad (2)$$

$$Y_n = (I - A)^{-1} X$$

$$Y_n = M_a X$$

طبق رابطه (۲)، ماتریس M_a در این ساختار ماتریس ضریب فزاینده حسابداری است^۱ (Thorbecke, 2000). در تحلیل‌های اقتصادی اجتماعی از اصلاح رویکرد ضرایب فزاینده حسابداری با عنوان رویکرد ضرایب فزاینده با ثبات قیمت بهره گرفته می‌شود. تفاوت در این است که در رویکرد ضریب فزاینده حسابداری که ابتدا توسط استون و سپس توسط پیات و روند^۲، بسط و گسترش یافت، همه ضرایب در ماتریس A_n از جنس ضرایب متوسط است. علاوه بر این، فرض می‌شود که میل متوسط و میل نهایی به هزینه گروه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها با هم برابر (به عبارت دیگر کشش درآمدی برای همه کالاها و همه گروه‌های درآمدی برابر با واحد) است. حال آنکه در رویکرد ضریب فزاینده با ثبات قیمت که توسط توربک معرفی شده، میل متوسط و میل نهایی به مصرف گروه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها برای کالاهای مختلف یکسان نیست و تا حدودی مشکل رویکرد دیگر را برطرف می‌کند (Thorbecke, 2000 و بزازان و برزگر، ۱۳۹۶). علاوه بر این، رویکرد ضریب فزاینده حسابداری را نمی‌توان به مسائل فقر و فقرزدایی و سیاست‌های معطوف به آن در سطح بخش‌ها تعمیم داد. در حالی که انعطاف‌پذیری رویکرد ضریب فزاینده با ثبات قیمت، امکان بررسی فقرزدایی در سطح بخش‌های مختلف را فراهم می‌کند (پروین و همکاران، ۱۳۹۲). برای اهداف تحلیلی فقر قسمت درون‌زای ماتریس مبادلات N_e تبدیل به ماتریس میل نهایی به مصرف می‌شود. برای این کار از طرفین رابطه (۱) دیفرانسیل کامل گرفته پس از حل کردن آن بر حسب متغیر درون‌زا به صورت رابطه (۳) و (۴) درمی‌آید.

$$dY_n = dN_e + dX \quad (3)$$

1. Accounting multiplier matrix
2. Pyatt, G., & Round, J., I.

$$dY_n = C_n dY_n + dX \quad (۴)$$

اگر هر عنصر از ماتریس C_n مشتق جزئی ماتریس N_e نسبت به Y باشد با این مفهوم ماتریس C_n ماتریس میل نهایی به مصرف تلقی می‌شود. آنگاه می‌توان رابطه (۵) را نوشت.

$$dY_n = M_c dX \implies dY_n = (I - C_n)^{-1} dX \quad (۵)$$

در رابطه (۵)، M_c ماتریس ضریب فزاینده باثبات قیمت شناخته می‌شود (Thorbecke, 2000) و برتری آن به ماتریس ضریب فزاینده حسابداری این است که در آن اثر اعمال هر شوک سیاستی از ناحیه متغیرهای برون‌زا روی متغیرهای درون‌زای مدل با توجه به میزان کشش درآمدی خانوارها مورد سنجش قرار می‌گیرد. دو ضریب فزاینده M_c و M_a بی‌ارتباط نیستند و عناصر ماتریس M_c از M_a با توجه به کشش‌های درآمدی گروه‌های مختلف خانوار حاصل می‌شود. براساس رابطه (۶)، کشش درآمدی گروه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای h ام برای کالاهای i ام برابر است با نسبت میل نهایی هزینه کالای i ام (MEP_{hi}) به میل نهایی متوسط هزینه همان کالا (AEP_{hi}):

$$ey_{hi} = MEP_{hi} / AEP_{hi} \quad (۶)$$

در رابطه (۶)، ey_{hi} کشش درآمدی خانوار h ام برای کالای i ام است و با معلوم بودن ey_{hi} و همچنین AEP_{hi} که از ماتریس ضرایب متوسط در رویکرد ضریب فزاینده حسابداری محاسبه می‌شود، می‌توان میل نهایی به مصرف کالای i ام خانوار h ام یا MEP_{hi} را از رابطه (۷) به دست آورد.

$$MEP_{hi} = ey_{hi} \times AEP_{hi} \quad (۷)$$

با استفاده از رابطه (۷) همه عناصر ماتریس M_c قابل محاسبه و به منظور اثر اعمال یک سیاست مشخص مثل هزینه ورود گردشگران خارجی (به مثابه صادرات) dX در قالب مدل (۵) آماده است. جهت مطالعه اثرات سیاست مطرح شده بر شاخص فقر، لازم است شاخص مورد استفاده متناسب با گروه‌بندی خانوارها در ماتریس حسابداری اجتماعی نیز قدرت

تفکیک پذیری را داشته باشد که در این زمینه شاخص های فقر متفاوتی اغلب در نظر گرفته می شود که شاخص FGT بهتر می تواند هدف را تامین کند. شاخص FGT ابتدا توسط فوستر و همکاران^۱ (۱۹۸۴) پیشنهاد شده و ایشان در مطالعات سال ۲۰۱۰ خود نشان دادند که چگونه شاخص FGT ارائه شده توسط آنها در مطالعات زیادی به طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه های توسعه در کشورها کمک شایانی کرده است. شاخص گروه FGT به صورت رابطه (۸) تعریف شده است.

$$P_{\alpha}(y, z) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z-y_i}{z} \right)^{\alpha} \quad (8)$$

در رابطه (۸)، P_{α} شاخص فقر، z خط فقر، n تعداد افراد جامعه و $q = q(y, z)$ تعداد فقرا است و تابعی از خط فقر و درآمد گروه های مربوطه y_i و α پارامتر نابرابری است. شاخص فقر این رابطه برای تغییر تولیدات بخشی ناشی از توسعه هر بخش (مانند گردشگری که نوعی گسترش صادرات در بخش های مرتبط با گردشگری بوده و افزایش درآمد عوامل تولید و درآمد خانوارها را به دنبال دارد) نیز قابل استفاده است. تغییر در شاخص فقر ناشی از تغییر درآمد به دو قسمت تغییر فقر ناشی از تغییر میانگین درآمدها و تغییرات ناشی از توزیع درآمد بین خانوارها برای هر یک از بخش قابل تجزیه است (Kakwani 1993) یعنی (رابطه ۹):

$$dP_{\alpha ij} = \frac{\partial P_{\alpha ij}}{\partial \bar{y}_i} d\bar{y} + \sum_{k=1}^L \frac{\partial p_{\alpha ij}}{\partial \theta_{ijk}} d\theta_{ijk} \quad (9)$$

در رابطه (۹)، $P_{\alpha ij}$ شاخص فقر FGT مربوط به بخش j ام برای گروه خانوار i ام، \bar{y}_i میانگین درآمد سرانه در گروه های خانوارهای i ام و θ_{ijk} منعکس کننده پارامترهای توزیعی مثل منحنی لورنز با K پارامتر است. در صورت هرگونه تغییر در تولید فعالیت j ام به شرط ثابت ماندن توزیع درآمد در گروه های نهادی، کشش فقر را می توان با تعدیلاتی از رابطه (۹) به صورت رابطه (۱۰) نوشت.

$$\frac{dP_{\alpha ij}}{P_{\alpha ij}} = \eta_{\alpha i} \left(\frac{d\bar{y}_i}{\bar{y}_i} \right) \quad (10)$$

1. Foster, J., et al.

در رابطه (۱۰)، $\eta_{\alpha i}$ کشش $P_{\alpha ij}$ است؛ با توجه به میانگین درآمد سرانه هر گروه خانوار \bar{y}_i که از افزایش تولید بخش α ناشی می‌شود^۱. به منظور ارتباط دادن تغییرات در شاخص فقر به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی با تغییرات در تولید (یا درآمد فعالیت‌های مختلف اقتصادی) که از اجرای سیاستی نظیر توسعه گردشگری در قالب رابطه (۵) و برای یک بخش معین ناشی می‌شود رابطه (۱۱) حاصل خواهد شد.

$$d\bar{y}_i = M c_{ij} dx_j \quad (11)$$

در رابطه (۱۱)، dx_j تغییر در تقاضای گردشگران خارجی بخش α است که به صورت سرانه برای گروه خانوار α تعریف و $M c_{ij}$ ضرایب فزاینده ماتریس حسابداری اجتماعی با ثبات قیمت است. با جایگذاری رابطه (۱۱) در رابطه (۱۰) به رابطه (۱۲) می‌رسیم.

$$\frac{dP_{\alpha ij}}{P_{\alpha ij}} = \eta_{\alpha i} M c_{ij} \left(\frac{dx_j}{\bar{y}_i} \right) \quad (12)$$

به منظور به دست آوردن اثرات کاهش فقر کل در گروه فعالیت α ، اثرات برای گروه‌های مختلف خانوارهای α با همدیگر جمع بسته می‌شود؛ یعنی $P_{\alpha j} = \sum_{i=1}^m P_{\alpha ij} \left(\frac{n_i}{n} \right)$ که در آن $n = \sum_{i=1}^m n_i$ و $P_{\alpha j}$ شاخص فقر برای گروه فعالیت α است. در نتیجه از رابطه (۱۲)، رابطه (۱۳) را خواهیم داشت.

$$\frac{dP_{\alpha j}}{P_{\alpha j}} = \sum_{i=1}^m \left(\frac{dP_{\alpha ij}}{P_{\alpha ij}} \right) \left(\frac{n_i}{n} \right) = \sum_{i=1}^m \left(\frac{dP_{\alpha ij}}{P_{\alpha ij}} \right) \left(\frac{P_{\alpha ij} n_i}{P_{\alpha j} n} \right) \quad (13)$$

با توجه به شاخص فقر FGT در رابطه (۸)، رابطه (۱۴) را خواهیم داشت.

$$\frac{dP_{\alpha j}}{P_{\alpha j}} = \sum_{i=1}^m \left(\frac{dP_{\alpha ij}}{P_{\alpha ij}} \right) \left(\frac{\sum_{k=1}^{q_i} ((z - y_k)/z)^\alpha}{\sum_{l=1}^q ((z - y_l)/z)^\alpha} \right) \quad (14)$$

در رابطه (۱۴)، q_i تعداد فقرا در گروه خانوار α و q کل فقرا است. اگر سهم فقرا در گروه خانوارهای α از کل فقرا را $S_{\alpha i}$ بنامیم، برابر خواهد بود با رابطه (۱۵):

۱. در پژوهش حاضر کشش شاخص‌های فقر نسبت به میانگین درآمد خانوارها بر مبنای تابع درجه دوم منحنی لورنز در بخش تجربی محاسبه شده که روش محاسبه آن در Datt G. (1998) آمده است.

$$S_{\alpha i} = \frac{\sum_{k=1}^{q_i} \left(\frac{z-y_k}{z}\right)^\alpha}{\sum_{l=1}^q \left(\frac{z-y_l}{z}\right)^\alpha} \quad (15)$$

با جایگذاری رابطه (۱۵) در رابطه (۱۴) به رابطه (۱۶) خواهیم رسید.

$$\frac{dP_{\alpha j}}{P_{\alpha j}} = \sum_{i=1}^m \left(\frac{dP_{\alpha ij}}{P_{\alpha ij}}\right) S_{\alpha i} \quad (16)$$

در نهایت با جایگذاری رابطه (۱۲) در رابطه (۱۶)، درصد تغییرات در شاخص فقر به تفکیک فعالیت‌های مختلف اقتصادی ناشی از ورود گردشگران خارجی، رابطه (۱۷) حاصل می‌شود.

$$\frac{dP_{\alpha j}}{P_{\alpha j}} = \sum_{i=1}^m S_{\alpha i} \eta_{\alpha i} M C_{ij} \left(\frac{dx_j}{y_i}\right) \quad (17)$$

در رابطه (۱۷)، $\eta_{\alpha i} \left(\frac{dx_j}{y_i}\right)$ حساسیت شاخص P_{α} همراه با تغییرات در متوسط را نشان می‌دهد. $S_{\alpha i} M C_{ij}$ قسمتی از کل اثرات توزیعی دریافت شده برای فقرا در گروه خانوار نام است و dx_j میزان مصرف گردشگران از بخش j ام است. به این ترتیب، رابطه (۱۷) کاهش کل در شاخص فقر (فقرزدایی) ناشی از مصرف گردشگران خارجی بخش j ام است که با تغییر در میانگین درآمد کل خانوارها از یک طرف و از طرف دیگر با حساسیت معیار فقر انتخاب شده نسبت به رشد میانگین درآمد گروه‌های خانوار، سازگار است.

در این پژوهش سه شاخص فقر مورد سنجش قرار گرفته که آن‌ها را شاخص‌های وقوع فقر می‌دانند و نقدهایی هم به آن‌ها وارد شده است. از جمله نقدی که به شاخص سرشمار وارد شده این است که این شاخص به انتقال درآمد در بین فقرا و همچنین بین فقرا و غیرفقرا حساس نیست. همچنین نسبت به کاهش درآمد فقرا حساسیتی ندارد (ارشدی و کریمی، ۱۳۹۲ و خسروی‌نژاد، ۱۳۹۱). علاوه بر این، شاخص شکاف فقر هم که بر فاصله کلی فقرا نسبت به خط فقر است وقتی این دو شاخص با هم به کار گرفته شود، تصویر بهتری از فقر را نشان می‌دهد. شاخص فقر فوستر، گریر و توربک تمامی سنجش‌های سرشمار فقر، شکاف فقر و مجذور شکاف فقر را در نظر می‌گیرد (راغفر و همکاران، ۱۳۹۵) و مجموعه‌ای از این سه شاخص تصویر به نسبت کاملی از اعمال سیاست‌های رشد بخشی می‌تواند ارائه کند.

۴. پایه‌های آماری و برآورد مدل

براساس گزارش سازمان جهانی گردشگری (۲۰۱۷)، ایران از نظر جاذبه‌های تاریخی رتبه دهم، از نظر جاذبه‌های طبیعی جهان در رتبه پنجم و از نظر جاذبه‌های گردشگری به عنوان یکی از ۵۰ کشور برتر معرفی شده است. در همین حال، گردشگری خارجی ایران از اواسط دهه ۱۹۹۰ رشد کرده و با جذب ۴,۷ میلیون گردشگر خارجی، در سال ۲۰۱۳ برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی در رتبه ۴۸ جهان قرار گرفت. همانطور که گزارش سازمان گردشگری جهانی در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد، تعداد گردشگران خارجی با نرخ رشد سالانه ۱/۳۴ درصد افزایش یافته و از ۵۶۸ هزار نفر به ۷,۲۹۵ میلیون نفر رسیده است. درآمد حاصل از ورود این گردشگران رشد سالانه ۲/۴ درصد را تجربه کرده و از ۲۰۵ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۹,۱۰۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده، اما در سال‌های اخیر به دلیل شیوع بیماری کرونا کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. اغلب گردشگران خارجی از کشورهای خاورمیانه از عراق، آذربایجان، افغانستان و ترکیه هستند. تراز درآمد گردشگری (درآمد حاصل از ورود گردشگران بین‌المللی و گردشگران ایرانی به خارج از کشور) در ایران اغلب منفی است. علاوه بر این، مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۴) سهم درآمد گردشگری ایران (ورودی و خروجی) را ۶/۱ درصد تولید ناخالص داخلی و سهم اشتغال (مستقیم و غیرمستقیم) را ۱,۱۸۴,۰۰۰ نفر - شغل که تقریباً معادل ۵/۱ درصد از کل شاغلین است، محاسبه کرده است. بنابراین، پیامدهای کلان اقتصادی ناشی از ورود گردشگران خارجی به ایران به ویژه اثراتی را که روی رشد اقتصادی دارد و از کانال رشد روی شاخص‌های فقر دارد، نمی‌توان نادیده گرفت. به همین منظور در مطالعه حاضر از پایه‌های آماری زیر استفاده شده است:

الف - ماتریس حسابداری اجتماعی داخلی سال ۱۳۹۰ که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه شده (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵) و جهت محاسبه اثرات تولیدی و درآمدی بر فقر که امری داخلی است، مهم‌ترین منبع آماری در این پژوهش است. ماتریس حسابداری اجتماعی داخلی ۱۳۹۰ به دلیل محدودیت اطلاعات مربوط به کشش‌های درآمدی خانوارها و کشش شاخص‌های فقر بخشی به ۱۶ بخش تقلیل داده شده و تمام محاسبات در سطح ۱۶ بخش صورت گرفته است.

ب- کسش درآمدی کالاهای بخشی خانوارها از مطالعه بزازان و برزگر (۱۳۹۶) اخذ شده است.

ج- کسش شاخص‌های فقر و نسبت فقرای بخشی از پروین و همکاران (۱۳۹۲) اخذ شده است.

د- آخرین آمار مخارج گردشگران خارجی معادل ۹,۱۰۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ است که از سازمان جهانی گردشگری (۲۰۱۸) اخذ شده است. جهت استفاده از آن در الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی نیازمند تفکیک بخشی است. در غیاب اطلاعات ماهواره‌ای گردشگری و مشخص شدن بردار dx_j از سهم بخشی درآمد گردشگری خارجی بزازان و همکاران (۱۳۹۹) استفاده و براساس نرخ دلار رسمی از سایت بانک مرکزی به ریال تبدیل و ارقام آن در جدول (۳) نشان داده شده است.

ه- سهم جمعیت خانوار شهری (۷۱/۵ درصد) و روستایی (۲۸/۵ درصد) از سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) اخذ شده است.

در بخش محاسبات و ارائه نتایج، ابتدا ضریب فزاینده با ثبات قیمت و سپس به اثرات تولیدی و درآمدی ناشی از ورود گردشگران خارجی می‌پردازیم. در قسمت آخر هم میزان تاثیرپذیری شاخص‌های سه‌گانه فقر از ورود گردشگران خارجی ارائه می‌شود. ضریب فزاینده با ثبات قیمت براساس روابط (۵) و (۷) محاسبه و نتایج در جدول (۲) سازماندهی شده است.

در جدول (۲)، ارقام ضریب فزاینده با ثبات قیمت نشان می‌دهد که اثر افزایش یک واحد سایر حساب‌ها (مثل مخارج دولت یا سرمایه‌گذاری بخشی) در همه بخش‌ها بر درآمد خانوارهای شهری بیشتر از خانوار روستایی است. علت بالاتر بودن درآمد خانوارهای شهری ناشی از دو عامل است: الف- جمعیت شهری بیشتر است به طوری که در سال ۱۳۹۰، ۷۱/۵ درصد جمعیت در شهرها زندگی می‌کردند و ب- میانگین درآمدی خانوارهای شهری بالاتر اسن.

جدول ۲. اثرافزایش یک واحد سایر حساب‌ها بر تولید بخشی، رویکرد ضریب فزاینده با ثبات قیمت

فعالیت اقتصادی	خانوار شهری	خانوار روستایی	شرکت‌ها	اثر کل بجز دولت	سهم درآمد شهری
کشاورزی، دامداری، شیلات و ...	۰/۷۷	۰/۲۰	۰/۲۷	۱/۲۴	۷۹/۳
استخراج معادن	۰/۲۹	۰/۰۷	۰/۷۳	۱/۱۰	۸۱/۷
صنعت مواد غذایی	۰/۵۱	۰/۱۳	۰/۲۵	۰/۹۰	۷۹/۶
صنعت منسوجات، کفش و پوشاک*	۰/۲۸	۰/۰۷	۰/۱۴	۰/۵۰	۷۹/۹
سایر صنایع	۰/۳۰	۰/۰۷	۰/۳۳	۰/۷۰	۸۰/۵
برق، آب و گاز	۰/۵۰	۰/۱۲	۰/۶۰	۱/۲۲	۸۱/۱
ساختمان	۰/۵۱	۰/۱۲	۰/۴۳	۱/۰۷	۸۰/۵
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی*	۰/۷۶	۰/۱۹	۰/۳۹	۱/۳۴	۷۹/۶
هتل و رستوران*	۰/۴۵	۰/۱۱	۰/۳۲	۰/۸۸	۸۰/۰
حمل‌ونقل و ارتباطات*	۰/۶۱	۰/۱۵	۰/۳۷	۱/۱۴	۷۹/۹
فعالیت‌های مالی و بیمه	۰/۶۳	۰/۱۵	۰/۴۴	۱/۲۳	۸۰/۸
مستغلات و کسب و کار	۰/۴۵	۰/۱۱	۰/۵۸	۱/۱۵	۸۰/۴
امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی ...	۰/۶۷	۰/۱۶	۰/۴۲	۱/۲۵	۸۰/۹
آموزش	۰/۸۳	۰/۲۰	۰/۳۲	۱/۳۶	۸۰/۸
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۰/۶۹	۰/۱۷	۰/۴۳	۱/۲۹	۸۰/۷
سایر خدمات*	۰/۶۰	۰/۱۵	۰/۴۵	۱/۲۰	۸۰/۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس روابط (۵) و (۷)

همچنین سهم درآمد شرکت‌ها حاکی از نقش بالای آن‌ها در ایجاد درآمد است. سهم درآمد شرکت‌ها به‌ویژه در بخش معدن (۰/۷۳) از همه بخش‌ها بیشتر است. علاوه بر این، درآمد شرکت‌ها در همه بخش‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای از درآمد خانوار روستایی هم بیشتر است. در ستون اثر کل، بالاترین رتبه به آموزش و با اندکی فاصله به بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، سپس به بخش کشاورزی اختصاص دارد. ستون آخر سهم درآمد شهری از کل درآمد را نشان می‌دهد که به‌طور تقریبی برای تمام بخش‌ها ۸۰ درصد محاسبه شده، در حالی که سهم جمعیت شهری ۷۱/۵ درصد از کل جمعیت است. همین ارقام نشان می‌دهد که روستاییان از رشد بخشی نسبت به شهرنشینان کمتر متبذع می‌شوند و رشد بخش‌ها به

صورت متوازن نابرابری را بیشتر می‌کند. در بین بخش‌های غیر مرتبط با گردشگری، بخش آموزش (۰/۸۳)، کشاورزی (۰/۷۷) و خرده‌فروشی و عمده‌فروشی (۷۹/۶) سه بخش با بالاترین توان درآمدزایی برای خانوارهای شهری هستند. رتبه‌بندی درآمدزایی فوق‌بخش‌ها برای خانوارهای روستایی نیز صادق است.

در جدول (۲) فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با گردشگری (صنعت منسوجات و پوشاک، هتل و رستوران، حمل‌ونقل و ارتباطات و سایر خدمات و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) با ستاره مشخص شده است. ستون درآمد شهری نشان می‌دهد که اگر یک واحد درآمد ناشی از ورود گردشگر خارجی (به عنوان صادرات آن بخش) صورت گیرد، درآمد خانوار شهری و روستایی به طور مستقیم و غیرمستقیم در هر بخش به چه میزان افزایش می‌یابد. در بین بخش‌های مرتبط با گردشگری بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی بیشترین توان درآمدزایی را برای خانوارها اعم از شهری (۰/۷۶) و روستایی (۰/۱۹) دارد و سایر خدمات و حمل‌ونقل به نسبت سهم بالایی در درآمدزایی دارند.

از آنجایی که گردشگران خارجی از همه کالاها و خدماتی که در اقتصاد تولید می‌شود، استفاده نمی‌کنند و فقط از بخش‌هایی مرتبط با گردشگری کالا و خدمات خریداری می‌کنند، بنابراین، اثر مستقیم همان تقاضای کالاهای مرتبط با گردشگری؛ یعنی ارقام موجود در ستون dx_j در جدول (۳) است. با در دست داشتن بردار dx_j ، اثرات تولیدی مستقیم، غیرمستقیم و القایی بخش‌های مختلف اقتصادی براساس روابط (۵) تا (۷) محاسبه و در بردار ستونی dY_n نشان داده شده است. در ستون dY_n هتل و رستوران با ۲۵/۷ درصد از کل اثرات تولیدی بالاترین و حمل‌ونقل و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی به ترتیب با ۱۶/۸۲ و ۱۲/۱۵ درصد دو بخش موثر بعدی هستند. در بیان اثرات غیرمستقیم و القایی روی سایر بخش‌ها، سایر صنایع (تمامی زیربخش‌های صنعت بجز مواد غذایی، منسوجات و پوشاک)، صنایع مواد غذایی و کشاورزی بیشترین اثر تولیدی را دارند که علت را در تاثیرپذیری بالای آن‌ها از بخش‌های مرتبط با گردشگری می‌توان دانست. در جدول (۳) علاوه بر اثرات تولیدی، اثرات درآمدی خانوارها نشان داده شده که از رابطه (۵) به دست آمده است.

جدول ۳. اثرات تولیدی بخشی، درآمد خانوارها و عوامل تولید مخارج گردشگران خارجی

بخش نام	dx_j (میلیون ریال)	dY_n (میلیون ریال)	سهم (درصد)
کشاورزی، دامداری، شیلات و جنگلداری	۰	۲۹۲۴۶۳۵۹	۶/۹۰
استخراج معادن	۰	۱۸۰۸۷۰۹	۰/۴۵
صنعت مواد غذایی	۰	۲۸۱۵۸۹۳۶	۷/۱۳
صنعت منسوجات، کفش و پوشاک*	۶۳۸۹۱۸۰	۷۷۶۵۹۰۲	۳/۷۲
سایر صنایع	۰	۴۸۸۰۴۳۸۸	۱۲/۰۳
آب، برق، و گاز	۰	۱۴۴۱۲۵۰۶	۴/۴۸
ساختمان	۰	۲۱۷۸۳۸۳	۰/۴۹
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی*	۱۵۹۷۲۹۴۹	۳۳۱۰۴۹۴۲	۱۲/۱۵
هتل و رستوران*	۴۸۹۱۷۱۵۸	۵۲۷۱۶۵۹۰	۲۵/۰۷
حمل‌ونقل و ارتباطات*	۲۲۹۶۱۱۱۵	۴۷۲۲۴۴۱۲	۱۶/۸۲
فعالیت‌های مالی و بیمه	۰	۳۹۲۴۲۱۹	۱/۰۲
مستغلات و کسب و کار	۰	۲۰۴۹۷۳۶۱	۳/۹۰
امور عمومی، دفاع و تامین اجتماعی...	۰	۱۵۹۴۲۵	۰/۰۵
آموزش	۰	۳۱۱۶۹۲۰	۰/۵۳
بهداشت و مددکاری اجتماعی	۰	۱۱۲۸۷۱۸۲	۱/۸۵
سایر خدمات*	۵۵۹۰۵۳۲	۷۹۵۴۱۸۱	۳/۴۴
کل اثر تولیدی	۹۹۸۳۰۹۳۴	۳۱۲۳۶۰۴۱۵	۱۰۰/۰۰
خانوار شهری	۰	۱۶۴۲۴۸۸۸۰	۵۳/۱
خانوار روستایی	۰	۳۹۸۴۸۷۱۹	۱۳/۴
شرکت‌ها	۰	۵۴۴۵۷۶۱۶	۳۳/۵
کل اثر درآمدی نهادها		۲۵۸۵۵۵۲۱۵	۱۰۰/۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش براساس مخارج گردشگران خارجی، رابطه (۵)

مسیر تاثیر گذاری از این قرار است که شوک تقاضا از ناحیه سایر حساب‌ها به میزان کل مخارج گردشگران خارجی (اثر مستقیم ۹,۱۰۷ میلیون دلار معادل ۹۹,۸۳۰,۹۳۴ میلیون ریال) موجب افزایش تولید بخشی به میزان ۳۱۲,۳۶۰,۴۱۵ میلیون ریال و افزایش ۲۵۸,۵۵۵,۲۱۵ میلیون ریال درآمد نهادها می‌شود. درآمد خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۵۳/۱ درصد (معادل ۸۰ درصد کل درآمد ایجاد شده خانوارها) و خانوارهای روستایی ۱۳/۴

درصد (معادل ۲۰ درصد کل درآمد ایجاد شده خانوارها) است. علت اصلی تاثیرپذیری بیشتر خانوارهای شهری نسبت به روستایی در تحلیل ضریب فرزند تولید به قیمت ثابت گفته شد. این اثرات نابرابر بر خانوارهای شهری و روستایی بیانگر افزایش نابرابری و شکاف درآمدی در اثر رشد فعالیت گردشگری است. علاوه بر این، شرکت‌ها سهم بالایی معادل ۳۳/۵ درصد از کل درآمد ایجاد شده دارند.

با رشد اقتصادی ناشی از ورود گردشگران خارجی، درآمد صاحبان عوامل تولید؛ یعنی خانوارهای شهری و روستایی افزایش می‌یابد که می‌تواند فقر را کاهش دهد. از آنجایی که بخش‌های مختلف اقتصادی تاثیرپذیری یکسانی از ورود گردشگر خارجی ندارند، میزان کاهش فقر برای خانوارهای شاغل بخشی هم یکسان نخواهد بود. برای مشخص شدن میزان کاهش فقر بخشی خانوارهای شهری و روستایی به وسیله رابطه (۱۷) شاخص‌های سه‌گانه فقر محاسبه و نتایج در جدول (۴) (ستون‌های (۱) تا (۶)) سازماندهی شده است.

بالاترین کاهش فقر خانوارهای شهری و روستایی ناشی از ورود گردشگران خارجی، مربوط به بخش‌های کشاورزی (با توجه به شاخص فقر سرشمار)، هتل و رستوران، صنعت و ساخت و حمل‌ونقل (با توجه به شاخص شکاف فقر)، هتل و رستوران، صنعت و حمل‌ونقل (براساس شاخص فوستر، گریر و توربک) است. کسب رتبه بالاتر کاهش فقر شاغلین بخش‌های مرتبط با گردشگری مورد انتظار بود؛ زیرا این نتایج به کشش‌پذیری شاخص‌های فقر و نسبت بالای فقر به کل فقرا از یک طرف و میزان افزایش درآمد ناشی از ورود گردشگر خارجی از طرف دیگر در این بخش‌ها مربوط می‌شود. حساسیت بالای شاخص FGT به این معنی است که بهبود نسبی فقر از طریق افزایش درآمدی بالا حاصل می‌شود.

تغییرات شاخص فقر نسبت به تغییرات درآمد در این بخش‌ها نشان‌دهنده گروه‌های فقیری است که درآمدشان از خط فقر تعریف شده فاصله زیادی دارد. پایین‌ترین سهم فقرزدایی شاخص H و FGT مربوط به بخش فعالیت‌های مالی، بهداشت، آموزش، استخراج معدن و امور عمومی است. فقرزدایی پایین بخش‌های فوق به پایین بودن میزان فقرا در این بخش‌ها مربوط می‌شود که شاغلین اغلب دارای کار دائمی و رسمی بوده و حاشیه امن کاری دارند. در بخش‌هایی که تعداد فقرا بیشتر است، اغلب شاغلین دارای کار غیررسمی بوده و میزان درآمد آن‌ها کم و فقر گسترده‌تر است.

جدول ۴. تاثیرپذیری شاخص‌های فقر از ورود گردشگران خارجی - درصد

شدت فقر		شکاف فقر		فقر سرشمار		فعالیت اقتصادی
FGT		PG		H		
روستایی (۶)	شهری (۵)	روستایی (۴)	شهری (۳)	روستایی (۲)	شهری (۱)	
۰/۲۵۳	۰/۲۱۰	۰/۶۵۱	۰/۱۳۷	۰/۰۳۱	۰/۰۱۵	کشاورزی، شکار، ماهیگیری و ...
۰/۰۲۲	۰/۰۱۹	۰/۰۵۶	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	استخراج معادن
۰/۳۱۶	۰/۲۴۰	۰/۸۰۶	۰/۱۵۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	محصولات غذایی
۰/۰۸۷	۰/۰۶۶	۰/۲۲۲	۰/۰۴۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	منسوجات، کفش و پوشاک
۰/۵۴۷	۰/۴۱۶	۱/۳۹۷	۰/۲۷۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	صنعت و ساخت
۰/۰۷۶	۰/۱۵۹	۰/۱۷۳	۰/۱۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	آب، برق و گاز
۰/۰۱۶	۰/۰۱۴	۰/۰۴۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	ساختمان
۰/۳۷۱	۰/۲۶۱	۰/۹۴۷	۰/۱۷۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
۰/۵۶۱	۰/۴۸۵	۱/۴۳۱	۰/۳۱۷	۰/۰۱۳	۰/۰۰۴	هتل و رستوران
۰/۴۹۵	۰/۳۹۲	۱/۲۶۰	۰/۲۵۶	۰/۰۱۴	۰/۰۰۸	حمل‌ونقل و ارتباطات
۰/۰۱۸	۰/۰۱۲	۰/۰۳۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	فعالیت‌های مالی و بیمه
۰/۱۰۶	۰/۲۲۳	۰/۲۳۰	۰/۱۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	فعالیت مستغلات و کسب و کار
۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	امور عمومی، دفاع و تامین ...
۰/۰۱۳	۰/۰۳۴	۰/۰۲۶	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	آموزش
۰/۰۷۲	۰/۱۲۲	۰/۱۴۸	۰/۰۸۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	بهداشت و مددکاری اجتماعی
۰/۰۷۲	۰/۰۶۸	۰/۱۸۱	۰/۰۴۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	سایر فعالیت‌ها و خدمات
۳/۰۲۶	۲/۷۲۳	۷/۶۰۷	۱/۷۸۰	۰/۰۹۲	۰/۰۴۹	جمع

ماخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس رابطه (۱۷)

اثر کل فقرزدایی و ورود گردشگران خارجی که در سطر آخر جدول (۴) آمده، حاکی از فقرزدایی بیشتر خانوارهای روستایی نسبت به خانوارهای شهری است؛ به طوری که کاهش فقر برای خانوارهای شهری در شاخص‌های سه‌گانه، فقر سرشمار (H)، شکاف فقر (PG) و فوستر، گریر و تربک (FGT) به ترتیب ۰/۰۴۹، ۱/۷۸ و ۲/۷۲۳ درصد و برای خانوارهای روستایی به ترتیب ۰/۰۹۲، ۷/۶۰۷ و ۳/۰۲۶ درصد است. علت تاثیرگذاری بیشتر بر خانوارهای روستایی را می‌توان به سهم بیشتر فقر روستایی و پایین‌تر بودن خط فقر روستایی

دانست. سیاست توسعه گردشگری از این جهت می‌تواند دستاورد مناسبی را رقم زده و فقر خانوارهای روستایی را بیشتر کاهش دهد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر اثر ورود گردشگران خارجی و هزینه آن‌ها در بخش‌های مرتبط با گردشگری روی کاهش فقر به کمک ماتریس حسابداری اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت. در این مطالعه درآمد ناشی از ورود گردشگران خارجی به مثابه صادرات در نظر گرفته شده است که موجب افزایش تولید، درآمد عوامل تولید و درآمد نهادها به ویژه درآمد خانوارهای روستایی و شهری خواهد شد. افزایش درآمد خانوارهای روستایی و شهری موجب خروج از فقر مطلق و کاهش فقر می‌گردد. میزان کاهش فقر بستگی به سهم فقر بخش‌های تاثیرپذیر از گردشگری دارد.

در بخش تجربی از آخرین ماتریس حسابداری اجتماعی که برای سال ۱۳۹۰ تهیه شده و سایر آمارها، مخارج گردشگران و کشش‌های متناسب با انواع شاخص‌های فقر استفاده و محاسبات در قالب رویکرد ضریب فزاینده به قیمت ثابت صورت گرفته است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ورود گردشگر خارجی از کانال رشد تولید موجب کاهش فقر در ایران می‌شود. اثر کاهش فقر خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است. همچنین نتایج نشان می‌دهد بالاترین سهم در کاهش فقر خانوارهای شهری و روستایی براساس شاخص‌های سه‌گانه فقر به ترتیب در بخش کشاورزی (با توجه به شاخص فقر سرشمار)، هتل و رستوران، صنعت و ساخت و حمل‌ونقل (با توجه به شاخص شکاف فقر) و هتل و رستوران، صنعت و حمل‌ونقل (با توجه به شاخص فوستر، گریر و توربک) است. پایین‌ترین سهم نیز مربوط به بخش‌های فعالیت‌های مالی و بیمه و آموزش است. در این بخش‌ها با وجود کشش بالای شاخص فقر نسبت به میانگین درآمدها، از ورود گردشگران تاثیرپذیری ناچیزی دارند.

فعالیت‌های مرتبط با گردشگری را می‌توان فعالیتی کاربر مثل: هتل، رستوران، کسب و کارهای کوچک و خرد دانست که به طور بالقوه مناسب افراد با مهارت‌های به نسبت کم و فقیر برای زنان، جوانان و گروه‌های محروم است، دانست.

نتایج مطالعه حاضر که بر کاهش فقر ناشی از توسعه گردشگری دلالت دارد (به ویژه در بخشی که کاهش فقر در خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است) را باید به ماهیت فعالیت گردشگری نسبت داد و هرگونه اقدامی در راستای توسعه گردشگری می‌تواند دستاورد اجتماعی-اقتصادی مناسب درخصوص فقرزدایی به همراه داشته باشد.

بر اساس نتایج می‌توان پیشنهاد کرد در صورتی که بستر ورود گردشگران خارجی به ایران هموارتر شود در آن صورت بر پایه نتایج پژوهش حاضر، قطعاً فقر کاهش خواهد یافت. در این پژوهش از آمار درآمد گردشگران خارجی در سال ۱۳۹۷ استفاده شد و با توجه به پتانسیل بالای پذیرش گردشگر در ایران، قابل ملاحظه نبود، اما اثر فقرزدایی به نسبت قابل ملاحظه‌ای را نشان داد. ورود گردشگران بیشتر با توجه به جاذبه‌های متنوع گردشگری در ایران اعم از گردشگری پزشکی، مذهبی، آثار باستانی، طبیعت متنوع و بسیاری جاذبه‌های دیگر، آثار اقتصادی مثبت بیشتری را ایجاد می‌کند. هر چند گسترش گردشگری در ایران با چالش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جدی مواجه است، مطالعه حاضر توانست یکی از اثرات اقتصادی مثبت آن را مورد سنجش قرار داده و نهادهای تصمیم‌گیرنده را به اقدام موثر تشویق کند.

پژوهش حاضر از فقدان اطلاعات مربوط به ماتریس حسابداری اجتماعی بروز شده و آمار اقماری گردشگری رنج می‌برد که در این پژوهش مشکل با استفاده از اطلاعات نسبتاً قدیمی تر و یا از سایر مطالعات برطرف شده است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Fateme Bazazan



<http://orcid.org/0000-0002-2994-3139>

منابع

ابونوری، اسماعیل و عباسی قادی، رضا. (۱۳۸۶). برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر ایران. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱(۳۰)، ۲۳-۵۲.

ارشدی، علی و کریمی، عبدالعلی. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال‌های برنامه اول تا چهارم. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۱(۱)، ۲۳-۴۲.

بانویی، علی‌اصغر. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین توزیع درآمد و افزایش تولید در اقتصادی ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۷(۲۳)، ۹۵-۱۱۷.

بزازان، فاطمه و برزگر، نرگس. (۱۳۹۶). سنجش اثرات درآمدی پرداخت یارانه نقدی رویکرد ماتریس حسابداری اجتماعی: ضریب فزاینده به قیمت ثابت. *سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۹(۱۷)، ۲۹-۴۹.

بزازان، فاطمه، اندایش، یعقوب، و فراهانی، عاطفه سادات. (۱۳۹۹). سنجش اثرگذاری گردشگری خارجی بر تولید بخشی در اقتصاد ایران - رویکرد ماتریس حسابداری اجتماعی. *تحقیقات اقتصادی*، ۲(۵۵)، ۲۶۷-۲۹۶.

پروین، سهیلا، بانویی، علی اصغر و عباسیان، نیگچه ساناز. (۱۳۹۲). شناسایی رشد بخش‌های اقتصادی در کاهش فقر با استفاده از رویکرد ضرایب فزاینده به قیمت ثابت SAM. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۲(۱۰)، ۲۷-۴۰.

پیرایی، خسرو و قناعتیان، آزاده. (۱۳۸۵). اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران: اندازه‌گیری شاخص رشد به نفع فقیر. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱(۲۹)، ۱۱۳-۱۴۱.

خسروی نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۱). برآورد فقر و شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی. *مدلسازی اقتصادی*، ۲(۲۶)، ۳۹-۶۰.

راغفر، حسین؛ باباپور، میترا، و یزدانپناه، محدثه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر، نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۴(۱۶)، ۵۹-۷۹.

راغفر، حسین؛ واعظ مهدوی، زینب، و سنگری مهدب، کبری. (۱۳۹۵). تاثیر اعمال ناقص قانون چهارم توسعه بر افزایش فقر ناشی از هزینه‌های کمر شکن سلامت. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۲(۶۲)، ۱-۳۱.

مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۵). ماتریس حسابداری اجتماعی ۱۳۹۰.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۴). نمایه آماری گردشگری جمهوری اسلامی ایران، دفتر معاونت فرهنگی.

References

- Abounoori, E., & Abbasi Ghadi, R., (2007). Economic Growth Effect on Poverty in Iran, *Iranian Journal of Economic Research*, 9(30), 23-52. [In Persian]
- Adnyana, I., M., Hasanudin, U., & Nurwulandari, H. A., (2020). Empirical examination of intersectoral linkages between tourism and regional economy by using the social accounting matrix, *International Journal of Economics and Business Administration VIII(1)*, 292-298.
- Akkemik, K. A., (2012). Assessing the importance of international tourism for the Turkish economy: A social accounting matrix analysis, *Tourism Management*, 33(4), 790- 801.
- Alam, M. S., & Paramati, S. R., (2016). The impact of tourism on income inequality in developing economies: Does the Kuznets curve hypothesis exist? *Annals of Tourism Research*, 61, 111-126.
- Arshadi, A. & Karimi, A., (2013). The study of poverty in rural and urban areas in IRAN during five-year development plan, *the Macro and Strategic Policies*, 1(1), 23-42. [In Persian]
- Banouei, A. A., (2005), Income Distribution and Increase in Production Using Social Accounting Matrices, *Iranian Journal of Economic Research*, 7(23), 95-117. [In Persian]
- Bazzazan, F., & N. Barzegar (2017). Studying the Income Effects of Cash Subsidy Payment by a Social Accounting Matrix and the Fixed Price Multiplier Approach, *Journal of Economic Policy*, 9(17), 29-49. [In Persian]
- Bazzazan, F., Andayesh Y., & Farahani A., (2020). Measuring the Impact of Foreign Tourism on Sectoral output in Iran's Economy – Social Accounting Matrix Approach, *Journal of Economic Research*, 55(2), 267-296, [In Persian]
- Bazzazan, F., (2020). The distributional paths of foreign tourism spending in Iran: application of structural path analysis, *Iranian Journal of Economic Studies*, 9(2), 459-484.
- Bhatt, M. S. & Munjal P., (2013). Social accounting matrix to study the socio-economic linkages of tourism sector – a case study of India, *Indian Economic Review*, 48(2), 381-412.
- Chok, S., Macbeth J. & Warren C., (2008). Tourism as a tool for poverty alleviation: a critical analysis of pro - poor tourism and implications for sustainability, *Current Issues in Tourism*, 10(2 & 3), 144-165.

- Croes, R. & Rivera, M. A., (2017). Tourism's potential to benefit the poor: A social accounting matrix model applied to Ecuador, *Tourism Economics*, 23(1), 29-48.
- Datt, G., (1998). Computational tools for poverty measurement and analysis, International Food Policy Research Institute, FCND Discussion paper No. 50.
- Defourny, J. & Thorbecke E., (1984). Structural path analysis and multiplier decomposition within a social accounting matrix framework, *The Economic Journal*, 94(373), 111-136
- Foster, J., Greer, J., & Thorbecke, E., (1984). A class of decomposable poverty measures. *Econometrica*, 52, 761-776.
- Foster, J., Greer, J., & Thorbecke, E., (2010). The Foster-Greer-Thorbecke (FGT) poverty measures: 25 years later, *The Journal of Economic Inequality*, 8(4), 491-524.
- Hayden, C., & Round, J., I., (1982). Developments in social accounting methods as applied to the analysis of income distribution and employment issues, *World Development*, 10: 451-65.
- Incera, A. C. & Fernandes, M., (2015). Tourism and income distribution: evidence from a developed regional economy, *Tourism Management*, 48(C), 11-20.
- Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (2015). Statistical Index of Tourism of the Islamic Republic of Iran, Office of the Deputy Minister of Culture. [In Persian]
- Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (2016). Construction of 2011 social accounting matrix [In Persian]
- Kakwani, N., (1993). Poverty and economic growth with application to Cote d'Ivoire, *Review of Income and Wealth*, 39(2), 121-139.
- Khosravinejad, A. A., (2011). Estimation of Poverty Indices in Iranian Urban and Rural Households, *Journal of Economic Modeling*, 6(18), 39-60. [In Persian]
- Jamieson, W., Goodwin, H. & Edmunds, C., (2004). Contribution of tourism to poverty alleviation: pro-poor tourism and the challenge of measuring impacts, For *Transport Policy and Tourism Section Transport and Tourism Division*, UN SCAP, November.
- Li, J., & Lian, C., (2010). An empirical study on relative income determination of tourism industries with Social Accounting Matrix of Jiangsu Province, China, *Tourism and Hospitality Research*, 10(3), 219-233.
- Parvin, S., Banouei, A. A., & Abbasian Nigjeh S., (2013). Identification of Economic Growth in Reducing Poverty, Use of Fixed Price Multiplier

Approach Based on the SAM (Social Accounting Matrix), *Economic Growth and Development Research*, 10(2), 27-40. [In Persian]

Pirae, K., & Ghana'atian, A., (2007). The effect of economic growth on poverty and income inequality: Measurement of pro-poor growth in urban and rural areas of Iran, *Iranian Journal of Economic Research*, 8(29), 113-141. [In Persian]

Powell, M., & Round, J., I., (2000). Structure and linkage in the economy of Ghana: A SAM Approach', in E Aryeetey, J Harrigan and M Nissanke (eds), *Economic Reforms in Ghana: Miracle or Mirage*, James Currey Press, Oxford: 68-87.

Pyatt, G., & Round, J., I., (1979). Accounting and fixed price multipliers in a SAM framework, *Economic Journal*, 89: 850-873.

Pyatt, G., & Thorbecke, E., (1976). Planning techniques for a better future, *ILO*, Geneva.

Raghfar, H., Babapour, M., & Yazdanpanah, M., (2016). Survey on the Relationship between Economic Growth, Poverty, and Inequality in Iran during Five-Year Development Plan, *Applied Economics Studies*, Iran, 4(16), 59-79. [In Persian]

Raghfar, H., Vaez mahdavi, Z., & Sangari Mohazab, K., (2016). Impact of Incomplete Implementation of the Fourth Development Plan on Health Catastrophic- payment Mediated of Population under Poverty Line, *The Economic Research*, 16(2), 1-22. [In Persian]

Suryawardani, G. A., Norsetyohadi, D., & Wiranatha, A. S., (2018). Social accounting matrix (SAM): macro analysis of tourism leakage in Bali, *LAP Lambert Academic Publishing*.

Statistical Centre of Iran, (2011). 2011 Population and housing census, Tehran, Iran.

Tarp, F., D. Roland-Holst & J. Rand (2002). Trade and income growth in Vietnam: estimates from a new social accounting matrix, *Economic Systems Research*, 14(2), 157-184.

Tiku, O., (2016). Measuring economic impact of tourism toward poverty alleviation in Indonesia: an input output analysis, *24th IIOA Conference*, Seoul.

Thorbecke, E., Downey, R., Keuning, S., Roland-Holst, D., & Berrian, D., (1992). Adjustment and equity in Indonesia, *OECD Development Centre*, Paris.

Thorbecke, E., (2000). The use of social accounting matrices in modelling, Paper Presents for 26th General Conference of The International Association for Research in Income and Wealth, IARIW, Cracow.

Wagner, J. E., (1997). Estimating the economic impacts of tourism, *Annals of Tourism Research*, 24(3):592-608.

World Bank Tourism Receipts:
<https://data.worldbank.org/indicator/ST.INT.RCPT.CD?locations=IR>.

World Tourism Organization (2018). UNWTO Annual Report 2018.



استناد به این مقاله: بزازان، فاطمه. (۱۴۰۱). اثر توسعه گردشگری خارجی بر فقر در ایران، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۷ (۹۲)، ۱۵۳-۱۷۹.



Iranian Journal of Economic Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.